

جنبش گولن و عملکرد آن در جمهوری آذربایجان از منظر نظریه بسیج منابع و تعهد اجتماعی

سید احمد نکویی^۱

میرهادی موسوی قرالری^۲

جنبش گولن^۳ را می‌توان به عنوان یکی از جریان‌های اجتماعی اسلام‌گرا برشمرد که توانسته است در گستره وسیعی توسعه یابد و پس از ترکیه در نقاط مختلف جهان شعبه‌های گوناگونی را ایجاد نماید. یکی از کشورهایی که پیروان گولن توانسته‌اند در آن به موفقیت‌های خوبی دست پیدا کنند، جمهوری آذربایجان است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و کسب استقلال شاهد رقابت‌های گسترده سیاسی بوده است. برخورد جریان‌های سیاسی-مذهبی باکو، نوعی مسابقه برای اسلامی کردن روح مردم کشور که اکثر آنها شیعه و همچنین از اقوام سنی هستند، ایجاد کرده است. ماهیت کثرت‌گرایانه جامعه جمهوری آذربایجان که لیبرال‌های سکولار، طبقه روشنفکر، شیعیان، اقلیت‌های غیرترک و از همه مهم‌تر سنت سکولاریسم را در خود دارد مانعی بر سر راه گسترش و توسعه این جنبش به شمار می‌آید، اما تأکیدی که این جنبش بر ترک بودن و اسلام می‌کند، باعث می‌شود که گروه‌هایی جذب و گروه‌هایی نیز از آن فاصله بگیرند.

سوال اصلی این است که دستورکار جنبش گولن در جمهوری آذربایجان چیست و این جنبش و شبکه‌های رو به گسترش آن در جامعه جمهوری آذربایجان بر مبنای چه نظریه‌ای رشد و گسترش می‌یابند. در پاسخ به این سوال، فرضیه مطرح این است که با توجه به سیاست انفعالی جنبش گولن، این جنبش در ابعاد سیاسی نمی‌تواند نقشی مستقیم و کوتاه مدت در تحولات سیاسی و اجتماعی جمهوری آذربایجان داشته باشد، اما با سرمایه‌گذاری‌های بزرگی که در نسل جوان صورت گرفته است، این امر در آینده‌ی دور محتمل به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: جمهوری آذربایجان، جنبش گولن و جریان‌های نورچی.

^۱ . نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، تهران، ایران.

Email: ahmadnekoe@gmail.com

^۲ . دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور

Email: mirhadimousavi@yahoo.com

خارج، تهران، ایران.

^۳ . Gülen Movement

مقدمه

آنچه به عنوان عامل و ریشه حرکات رادیکالی و تروریستی گروه های اسلامی از جانب جامعه جهانی مورد شناسایی قرار گرفته است، شامل سه عنصر دولت های اقتدارگرا، گروه های مذهبی ضد مدرنیسم و فقر فراگیر و ناامیدی در جوامع مسلمانان بوده است (Rice, 2005). با این مضمون که در جهان اسلام این سه مولفه به صورت دایره وار یکدیگر را تقویت می کنند، اتخاذ سیاستی که حلقه مزبور را بشکند از سوی کشورهای غربی برگزیده شده است.

به این دلیل غرب خط راهبردی را در دو بعد نظامی (حمله به افغانستان و عراق) و غیرنظامی (دموکراسی سازی) در پیش گرفته شده است. سیاست مورد نظر غرب در این زمینه، حمایت از پیدایش نیروهای بالقوه در جهان اسلام است که اسلام را تغییر ندهند، بلکه درک بشر از اسلام را تغییر می دهند و زمینه را برای اصلاح، نوسازی اسلامی و ظهور نهایی سیاستی هموار کند که هم دارای اصالت اسلامی و هم لیبرال دموکراسی باشد. حمایت از این روندها را باید در زمره اهداف مهم سیاست خارجی امریکا و کشورهای حامی صهیونیسم تعبیر کرد. به نظر می رسد، دیدگاهی که در میان صاحب نظران سیاسی امریکا وجود دارد به شدت بر ضرورت ارتباط گیری موثر با گروه های اسلامی اعتدال گرا^۱ تاکید می کند. بر این اساس حتی برخی معتقد هستند که مهم ترین اقدام امریکا در مبارزه با افراطیون اسلامی حمایت از "احیای اسلامی" است. احیائی که توسط عناصر بومی انجام می شود و مسلما پایدارتر است. به طور کلی رویکرد تعامل گرا راه کارها و توصیه های زیر را در خصوص چگونگی استراتژی غرب در برابر اسلام گرایان پیشنهاد می کند:

۱. تعامل با احزاب اسلامی؛

۲. توجه به اصلاحات مذهبی آموزشی و اجتماعی؛

۳. حمایت از خیریه های مذهبی مستقل (با هدف خنثی سازی فعالیت ها و اهداف

موسسات خیریه وابسته به گروه های اسلامی مخالف غرب)؛

۴. اعطا امتیازات ویژه به دانشگاه ها برای ارتقا افکار و آثار مسلمانان معتدل؛

^۱ . از نظر غربی ها به این عنوان نامیده می شوند، اما از نظر اسلام گرایان این گروه ها به مسامحه جویان تعبیر می شوند.

۵. تمرکز بر دیپلماسی عمومی، ارتقا دموکراسی و برنامه های کمکی جهت تقویت اصلاح و احیای اسلامی (به نحوی که ارزش های غربی را به سنت های اسلامی پیوند بزند) (صدیقی ۱۳۸۰: ۳۲).

مطرح شدن نام جنبشی موسوم به گولن^۱ در رسانه ها، همزمان با اوج گیری قدرت اسلام گرایان ترکیه در دهه ۹۰ میلادی بود که می توان اوج آن را در دوره سوم نخست وزیری رجب طیب اردوغان^۲ جستجو کرد. آنچه که این جنبش را مهم جلوه می دهد، این است که جنبش گولن برخلاف دیگر جنبش های بنیادگرانه در برابر شکل گیری جامعه مدرن مقاومت نکرده و حتی به شکل گیری آن نیز کمک می کند. دومین وجه اهمیت جنبش گولن را می توان انعکاس آن در شکل گیری فرهنگ توسعه در ترکیه دانست. اخلاقی که گولن مفهوم پردازی می کند بسیار به اخلاق پروتستانی^۳ (خصوصاً در اقتصاد) شبیه است (Uygur, 2000: 177).

جنبش گولن در ترکیه در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین شبکه های اسلام گرا در جهان می باشد و مطرح شدن نام گولن و ارتباطات خاص آن با حزب عدالت و توسعه^۴ در هنگامه برگزاری انتخابات شوراها و ریاست جمهوری ترکیه طی سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به یکی از خبرسازترین موضوعات مذهبی و سیاسی ترکیه مبدل شد که طی آن بسیاری از ابعاد موضوعی جنبش و همچنین عملکرد آن آشکار گردید.

^۱ . نام جنبش و جماعت متناوباً به جای یکدیگر در اطلاق به گولن به کار می روند و در رسانه ها از کلمه طرفداران گولن " اعضای جنبش " و یا جماعتچی (عضو جماعت گولن) نام برده می شود.

2. Recep Tayyip Erdoğan

^۲ . به عقیده وبر شیوه اندیشه سرمایه داری مشوق جهت گیری منحصر به فردی نسبت به فعالیت اقتصادی است. این شیوه اندیشه، مثلاً "باشیوه سنت گرایان اقتصادی در تقابل آشکار بود که به کار کردن تنها برای گذران زندگی خرسند بودند و نیز با شیوه اندیشه کسانی که تنها انگیزه شان آزمندی یا میل به نمایش خود نمایانه ثروت بود (کیویستو ۱۳۷۸: ۸۱). وبر اعتقاد دارد که آنچه محیط اجتماعی اروپا را مهبای پرورش رژیم سرمایه داری کرده است همان طرز تفکر ناشی از مذهب پروتستان است. بدین نحو که پروتستان ها به عکس کاتولیک ها که زهد و تقوی را در رهبانیت و ترک دنیا می دانستند، زهد و تقوی را در حمایت و حراست خود انسان و نفس انسان می دیدند و بر اثر همین اعتقاد از تجمل و افراط در جلب لذات خودداری می کردند و در نتیجه امکان ذخیره و به کار انداختن سرمایه برای ایشان فراهم آمد (نراقی ۱۳۸۵: ۱۳۹).

^۴ . حزب عدالت و توسعه به ترکی Adalet ve Kalkınma Partisi یا AKP، حزب سیاسی حاکم در ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون است. این حزب خود را جزو احزاب راستگرا و میانه معرفی می کند. رهبر فعلی حزب احمد داووداغلو نخست وزیر ترکیه و رهبر سابق آن رجب طیب اردوغان رئیس جمهور این کشور است.

دولت های ناکارآمد، اقتصاد ناسالم، مشروعیت پایین، عدم رعایت حقوق بشر، سرکوب مخالفین و فقر از جمله عوامل بسترساز داخلی در تقویت جریان های اسلام گرا نظیر جنبش گولن محسوب می شوند، عواملی که در دهه ۸۰ میلادی موجب افزایش نارضایتی از اقدامات حکومتی شده بود. در چنین شرایطی اسلام گرایی با رویکرد گولن با اقبال زیادی مواجه گردید در حالی که این جریان فاقد تشکیلات و عملکرد واحدی بوده است. به موازات نضج گیری این گروه اشکال گوناگونی از اسلام گرایی از جمله رادیکال میانه رو، سیاسی، غیرسیاسی، خشونت گرا، آرامش طلب سنتی و مدرن، دموکرات و اقتدارگرا نیز در حال ظهور و تکوین بوده اند (Keskin, 2009: 90).

پس از ترکیه بیشترین فعالیت و گسترش جنبش گولن در کشور آذربایجان می باشد کشوری که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و کسب استقلال شاهد رقابت های گسترده اسلامی بوده است که هم تحت تأثیر نیروهای داخلی و هم متأثر از نفوذ خارجی بوده است و برخورد این نیروهای نفوذ نوعی مسابقه برای اسلامی کردن روح مردم کشور ایجاد کرده است.

ادبیاتی که درباره گولن و فعالیت های آن به چشم می خورد، گویای نوعی پراکندگی در مفهوم شناسی در برخورد با ادبیات گولن است. دوغان کوچ^۱ در مقاله ای در مورد رد و تایید جنبش گولن صفت هایی متعددی چون کاردینال مخفی پاپ در ترکیه، اسب تروآی غرب در کشورهای مسلمان، عامل صهیونیست، عامل سیا، عروسک خیمه شب بازی آمریکا که سعی دارد با مسیحی سازی کشورهای مسلمان راهی برای تسلط غربی ها بر مسلمانان باز کند و در بعضی ادبیات از آن به عنوان یک ضدیهودی و ضدغربی نام برده شده که در تلاش است تا با مسلمان سازی مسیحیان به عنوان یک حکومت اسلامی در جهان باشد. در ادبیات انگلیسی جنبش گولن به عنوان یک ضدیهودی و ضدغربی به تصویر کشیده شده است که در تلاش است تا با مسلمان سازی مسیحیان و به عنوان یک (امام) خمینی دوم پایه گذار یک حکومت اسلامی دیگر در جهان باشد (Koc, 2011: 203).

^۱ . Dogan Koc

در این مقاله با بررسی ۴۳۶ مورد از کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها و مجلات انتشار یافته در خصوص جنبش حزمت^۱ و گولن در نهایت آنها را به ۲ دسته تقسیم‌بندی کرده است:

گولن ۱ (تعداد)	گولن ۲ (تعداد)	گولن ۱ (درصد)	گولن ۲ (درصد)
۳۴۰	۷	۹۸	۲
۱۰	۷۹	۱۱	۸۹
۳۵۰	۸۶	۸۰	۲۰
ترکی			
انگلیسی			
مجموع			

۱. گولن ۱: عامل آمریکایی / صهیونیست / واتیکان؛

۲. گولن ۲: اسلامگرا / (امام) خمینی دیگر / عثمانی جدید / خلافت اسلامی.

اکثر موارد انتشار یافته به زبان ترکی در خصوص گولن در زمره نشریات و کتاب‌ها قرار می‌گیرند؛ در حالی که در بعد انگلیسی، فضای مجازی به ویژه وبلاگ‌ها بیشترین نقش را بر عهده دارند. تعدادی دیگر از مجلات به گولن و برنامه‌های خدماتی زیادی که ارائه می‌دهد از قبیل مدرسه، بیمارستان، خوابگاه و موسسه‌های خیریه غیرانتفاعی، بسیار می‌پردازند.

در جمهوری آذربایجان شبکه گولن توانسته است با جمعیت بسیار وسیعی به ویژه با نخبگان شهری^۲ ارتباط برقرار نماید. تفاوت این شبکه با سایر جنبش‌های اسلامی در این است که آموزه‌های دینی خود را نه از طریق تبلیغات آشکار، بلکه در قالب شبکه نهادهای آموزشی سکولار، رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات حرفه‌ای ارائه می‌کند. علاوه بر این، شبکه گولن در مباحثات داغی که بر سر جایگاه دین در جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در گرفته است و منجر به رقابت‌های مذهبی در این کشور شده است، خود را درگیر نکرده است. در حالی که سکولارهای آذری، فعالان اسلام‌گرا و مدافعین لیبرال حقوق بشر درگیری‌های شدیدی بر سر اسلام و حقوق مسلمین داشته‌اند که در بحث‌های نظیر داشتن یا نداشتن حجاب در فضاهای عمومی خود را نشان می‌دهند، اما جنبش گولن

^۱. این گروه و یا جنبش هیچگاه دارای عنوان رسمی نبوده است و از آن با نام‌های چون حیزمت یا خدمت (Hizmet) و یا جماعت (Cemaat) نام می‌برند.

^۲. Urban Elites

عمدتاً در باب این مسائل سکوت اختیار کرده است. اسلام‌گراهای سنی از جنبش حزمت به خاطر سکوت سیاسی و ظاهر سکولاری که دارد، معمولاً انتقاد می‌کنند و آن را غیراسلامی می‌دانند؛ چرا که معتقد هستند در دین بدعت ایجاد می‌کند و مشکلاتی را که در برابر مسلمانان مذهبی قرار دارد، نادیده می‌گیرند (Əliyev, 2014). فعالان سکولار آذری و شیعیان به صورت متناوب شبکه گولن را به ترویج مخفیانه دستورکار سیاسی اسلام‌گرای ترکی - سنی متهم می‌کنند و اظهار می‌دارند، این شبکه در نقش کارگزار سیاسی ترکیه عمل کرده و سنی‌گرایی را در برابر جمعیت بومی شیعه جمهوری آذربایجان ترویج و توسعه می‌بخشد (Ibid).

چنین ارزیابی‌های گسترده و واگرا که در این زمینه به وجود آمده است، منجر به طرح سوالات و شک و تردیدهای بسیاری درباره جنبش گولن و اهداف آن گردیده است. مولفین این مقاله، سوال اصلی خود را چنین بیان می‌کنند که دستورکار جنبش گولن در جمهوری آذربایجان چیست و این جنبش و شبکه‌های رو به گسترش آن در جامعه جمهوری آذربایجان چه تاثیری را بر جای خواهند گذاشت. فرضیه مقاله بر آن است که با توجه به سیاست انفعالی جنبش گولن در بعد سیاسی این جنبش نمی‌تواند نقشی مستقیم و کوتاه مدت در حل بحران‌های جاری داشته باشد، اما با توجه با تاکید بر دو عنصر اسلام و ترک بودن می‌توان نقشی بلند مدت را برای آن تعریف کرد.

چارچوب نظری

دو چارچوب نظری برای کمک به توضیح این موضوع که چرا جنبش گولن تا این اندازه توانسته است موفق عمل کند، وجود دارد. نخستین چارچوب، نظریه بسیج و تجهیز^۱ منابع است که منابع انسانی و مالی که جنبش را قادر می‌سازد در دستیابی به اهدافش موفق باشد، آشکار می‌کند. چارچوب دوم، نظریه تعهد سازمانی^۲ است که بر استراتژی‌های جنبش برای بالا بردن انگیزه اعضا تمرکز دارد تا منابع لازم را فراهم آورند و نتایج چنین تعهدی در ایجاد وفاداری و وظیفه‌شناسی نسبت به جنبش است که در نهایت سرزندگی و رشد آن را تضمین می‌کند.

^۱.Resource Mobilization

^۲.Organizational Commitment

الف) نظریه بسیج منابع

بسیج منابع یک نظریه اجتماعی است که بر انواع منابعی که برای رشد و بقای یک جنبش اجتماعی ضروری است، تأکید می‌کند. نظریه اولیه بر روانشناسی اجتماعی شرکت‌کنندگان و همراهان جنبش تمرکز داشت که به عنوان افرادی در نظر گرفته می‌شدند که از یک یا چند وضعیت در جامعه ناراضی بودند. نظریه‌پردازانی که دیدگاه روانشناسی اجتماعی را پیشنهاد دادند، عبارت هستند از: (گور: ۱۹۷۰؛ ترنر و کیلیان: ۱۹۷۲؛ اسملسر: ۱۹۶۳؛ بیرنه: ۱۹۹۶؛ ایرمن و جامیسون: ۱۹۹۱). نظریه بسیج منابع که در دهه ۷۰ میلادی پدید آمد به جنبش‌های اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از افراد می‌نگرد که قادر هستند انواع مختلف منابع، اعم از نیروی کار انسانی و منابع متناهی مالی را جذب کنند تا تغییرات مؤثری در جامعه ایجاد کنند. طبق نظریه‌پردازان بسیج منابع، همیشه در هر جامعه‌ای به اندازه کافی نارضایتی وجود دارد که حمایت مردمی را برای یک جنبش ایجاد کند. برای تمرکز و سازمان دادن به نارضایتی در یک جنبش اجتماعی به یک گروه مرکزی از استراتژیست‌های پیچیده برای سازمان دادن به تحت کنترل درآوردن آنچه افراد را ناراضی می‌کند، نیاز است تا پول و حمایت به اندازه کافی جذب شود، توجه رسانه‌ها جلب شود، متحدان خارجی که در رأس قدرت هستند، جذب جنبش شوند و یک ساختار سازمانی ایجاد شود.

این نظریه فرض را بر این قرار می‌دهد که بدون چنین منابعی، جنبش‌های اجتماعی نمی‌توانند، تأثیرگذار باشند و نارضایتی و مخالفت به تنهایی برای ایجاد یک تغییر اجتماعی از طریق جنبش اجتماعی کافی نیست (Rose Ebaugh, 2010:7) و اگر منابع انسانی و مالی برای حمایت از اهداف جنبش در دسترس نباشد، جنبش در نهایت از هم فرو خواهد پاشید یا در کنار جنبشی که در جذب منابع موفق‌تر بوده به حاشیه رانده خواهد شد. بنابراین، نظریه بسیج منابع به طور خاص با پویایی‌ها و روش‌های رشد، افول و تغییر جنبش اجتماعی سر و کار دارد. بیشتر نظریه‌پردازان بسیج منابع توافق دارند که منابع زیر برای یک جنبش اجتماعی موفق ضروری است: پول، مشروعیت قانونی و نیروی کار. مقدار کافی و ثابت جریان پول این امکان را فراهم می‌آورد که حقوق کارکنان جنبش به موقع پرداخت شود؛ برای جنبش دفتر کار، کامپیوتر، دستگاه کپی و وسایل دیگری که برای در دیدرس قرار دادن و آگهی کردن پیام و اهداف جنبش لازم است، فراهم شود؛ آگهی‌های تبلیغاتی، بیانیه‌ها، بیلبوردها، وبسایت‌ها و سایر حوزه‌های رسانه‌ای برای بسیج شرکت‌کنندگان احتمالی ایجاد

شود؛ و طرح‌های خدماتی مالی و برنامه‌ها و رخدادهایی که توسط حامیان مالی جنبش برگزار می‌شود، ادامه یابد (Ibid:9).

از نظریه بسیج منابع در مباحث مربوط به شبکه محافل محلی استفاده شده است تا چارچوب سازوکارهایی که از طریق آن منابع برای رشد و موفقیت جنبش انباشت می‌شوند، مشخص شود و تحلیل جامعی به دست آید.

ب) نظریه تعهد سازمانی

در ارتباط با مسئله به دست آوردن منابع لازم برای موفقیت جنبش، مسئله انگیزه برای درگیری اعضا در آن پیش می‌آید. چرا میلیون‌ها نفر به جنبش متعهد هستند تا برای آن وقت بگذارند، نیروی انسانی، انگیزه و منابع مالی لازم را برای دستیابی به اهداف جنبش در اختیار آن قرار دهند؟ تعهد متضمن تعیین قضا و قدر شخصی یک فرد در ارتباط با موفقیت یا شکست یک جمع است. این تعهد به طور نمونه، بر حسب آمیزه‌ای از ویژگی‌های فردی و سازمانی سنجیده می‌شود که تمایل برای اعمال سطح بالایی از تلاش را برای عضو ماندن در یک سازمان، پذیرش اهداف و ارزش‌های عمده آن و ارج نهادن به سازمان به عنوان یک امر ارزنده افزایش می‌دهد. تحقیقات انجام شده توسط رزباس کانتز^۱، جامعه‌شناس در اواخر دهه ۶۰ میلادی و اوایل دهه ۷۰ میلادی در مورد تعهد در درون اجتماعات امریکایی یک بیان کلاسیک از سازوکارهای سازمانی باقی مانده که تعهد عضو را ایجاد می‌کند. وی به این موضوع علاقه‌مند بود که چگونه گروه‌ها به هم پیوسته باقی می‌مانند و بر الزامات سازمانی که بر اشخاص تأثیر می‌گذارد که احساس کنند منافع شخصی خود آنها از منافع گروه غیر قابل تشخیص و تفکیک است - همان حس تعهد - تمرکز می‌کرد. او استدلال می‌کرد، یک فرد به یک ارتباط یا گروه تا جایی وابسته و متعهد است که آن را به عنوان بیان‌کننده یا برآورد کننده بخش بنیادین خود بداند و اهداف گروه را به عنوان قوت بخشیدن به اهداف خود تلقی کند. یک فرد متعهد، وفادار و درگیر، حس تعلق دارد و این حس که گروه امتداد خود اوست و او به گروه تعلق دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

^۱. Rosabeth Kanter

جنبش گولن در حال حاضر

جنبش گولن یا حزمت شبکه‌ای فراملی از نهادها و افرادی است که آموزه‌های واعظ مسلمان ترکیه‌ای، فتح الله گولن^۱ را سرلوحه کار خود قرار داده و از آنها پیروی می‌کنند. خود گولن از پیروان سعید نورسی^۲ (۱۸۷۸-۱۹۶۰) است که یکی از شخصیت‌های بسیار مهم در اسلام مدرن ترکیه بوده و جنبش احیاگر مذهبی نوجولار را در دوران پساعثمانی در دهه ۲۰ میلادی بنیان نهاده است. اگرچه نورسی هیچ وقت به صورت مستقیم درگیر سیاست نشد، اما متفکری بانفوذ در عرصه مذهبی به شمار می‌آید. نورسی که یکی از دشمنان سرسخت ایدئولوژی سکولار مصطفی کمال آتاتورک بود در سال ۱۹۳۵ رسماً به عنوان دشمن دولت معرفی شده و یازده سال بعدی زندگی خود را در زندان سپری کرد (Balci:2003:31). کاملاً واضح است که مقامات طرفداران آتاتورک نسبت به آموزه‌های نورسی احساس تهدید کرده و از شبکه نیمه مخفی پیروانی که نورسی هدایت آنها را به عهده داشت هراس بسیار داشتند. پیروان نورسی که نام پیروان نور^۳ را برای خود انتخاب کرده بود، شبکه‌ای سلسله‌مراتبی ایجاد کرده که به ساختار نظم سنتی صوفیان شباهت داشته و به سرعت تحت عنوان جنبش نوجو^۴ شناخته شد.

درس‌ها و آموزه‌های نورسی که به رساله نور مشهور است، چراغ راه پیروان و شاگردان او در شهرهای مختلف ترکیه را محسوب می‌گردد. انشقاق بین شاگردان نورسی در همان اوایل به وضوح قابل مشاهده بود از این رو، پس از مرگ وی نوجوها نیز چند پاره شدند که شامل شاخه معلمین و آموزگاران نظیر مصطفی سونگور، مهمت کداغلو^۵، خسرو آلتباشاک^۶، مهمت کایالار^۷، هولوسی یحیاگیل^۸، زبیر گوندوزالپ^۹، می‌شد. این تقسیمات در گذر زمان نیز

^۱. Fethullah Gulen

واعظ، نویسنده و مدرس علوم اخلاقی و الهیات اهل ترکیه است که در پنسیلوانیای آمریکا زندگی می‌کند

^۲. Said Nursi

شیخ سعید نورسی مشهور به بدیع الزمان و نویسنده کتاب رساله نور

^۳. Nur Talebelri = Followers of Light

^۴. Nurcu Movement

^۵. Mehmet kurtoglu

^۶. Hüsrev Altınbasak

^۷. Mehmet Kayalar

^۸. Hulusi Yahyagil

^۹. Zübeyr Gündüzalp

پایدار ماندند. تا اینکه در سال ۱۹۵۰ که مجلس عالی ملی ترکیه^۱ قطعنامه‌ای را برای احیای میراث سعید نوری تصویب کرد؛ بدین ترتیب رسماً انتشار و ترجمه آثار وی قانونی شد و به جنبشی نیز که از بطن این آثار برمی‌خاست نیز وجهه قانونی داد. اما همچنان شک و تردیدهای رسمی درباره این جنبش به قوت خود باقی ماندند (Aliyev, 2012:5).

در دهه ۷۰ میلادی حاجی افندی امام کاریزماتیک شهر از میر شروع به تدریس دیدگاه‌های نوری کرد و خواهان احیای اسلام در ترکیه گردید. این امام جوان در ابتدای کار از جنبش زبیر گندوزالپ حمایت کرد. اما در نهایت از این جنبش جدا شد چرا که معتقد بود که بیش از حد در سیاست وارد شده است (Atacan, 2001:37). افزایش تعداد مبلغین گولن به سرعت پیروان وفاداری را جذب کرد که اقدام به تشکیل سازمانی صمیمی و با ساختاری عمودی کردند که خود را وقف مطالعه دیدگاه‌های نوری و آثار نوشته شده گولن کرده بود. این جنبش از دهه ۷۰ میلادی به این سو شبکه‌ای منحصر به فرد را درون شبکه وسیع‌تر نرجولار تشکیل داد که از سایر پیروان آموزه‌های نوری متمایز بودند؛ اکثریت این پیروان در حال حاضر به وسیله یکی دیگر از آموزگاران نرجولار یعنی مصطفی سونگور رهبری می‌شوند. به عقیده بسیاری از متخصصین، آنچه شبکه گولن را از بقیه جنبش‌های نرجولار متمایز می‌کند، ساختار روشن و شفاف سلسله مراتبی، انضباط سخت درونی، محرمانه و سری بودن قوانین، باز بودن آن نسبت به سرمایه‌داری و جانبداری آن نسبت به کار و تجارت و همچنین تمرکز این شبکه بر ارتباطات رسانه‌ای و تجاری برای توسعه جنبش است (Davidov, 2007:27). در بررسی‌های انجام شده بین گولن و دیگر پیروان سعید نوری چند تفاوت در رویکردهای رفتاری بین آنها دیده می‌شود که دو مورد از مهم‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

۱. گروه‌ها و حرکت‌های نرجویی مانند آسیای جدید^۲، نسل نو^۳، نویسندگان^۴، سونگور آغابی^۵، عبدالله یغین‌آغابی^۶، استاد چهلم^۷، سعید ازدمیر، مهمت فرینجی (نانوا)، زمانی که از

^۱ Turkish Grand National Assembly

^۲ Yeni Asya

^۳ Yeni Nesil

^۴ Yazıcılar

^۵ Sungur Ağabey

^۶ Abdullah Yeğin Ağabey

^۷ Kırkinci Hoca

بدیع الزمان^۱ نام می‌برند از نام وی استفاده می‌کنند، اما در رسانه‌های وابسته به گولن این نام تحت سانسور فراوان قرار دارد و اگر قرار باشد که استفاده گردد، کلمه "حضرت پیر"^۲ به کار می‌رود چرا که پیروان گولن، مرتبه وی را اولی‌تر می‌دانند (RÖVŞƏNOĞLU, 2014).

۲. در نوجولار بعد از قرآن و سنت، منبع سوم دینی رساله نور است. اما در جریان گولن جزوات و لوح‌های فشرده فتح‌الله گولن به عنوان منبع سوم به کار برده می‌شود (Ibid). ظهور سریع شبکه گولن در ترکیه سکولار دهه ۷۰ میلادی شک زیادی را برانگیخت. مقامات ترک فعالیت‌های گولن را تحت نظر گرفتند و او هم به خاطر این فشارها به ایالات متحده آمریکا نقل مکان کرد که هنوز هم در این کشور به حیات خود ادامه می‌دهد؛ اما جنبشی که پایه‌گذاری کرده است تأثیری بسیار زیادی در سرزمین مادری یعنی ترکیه و همچنین در خارج از کشور دارد.

بر اساس بررسی به عمل آمده به وسیله شرکت ترکیه‌ای کانزسوس^۳ (اجماع)، جنبش فتح‌الله گولن در حال حاضر بعد از جنبش علویون، دومین اجتماع بزرگ مذهبی در ترکیه است که بر اساس آمار ارائه شده توسط فرماندهی عالی نیروهای مسلح ترکیه^۴ تعداد پیروان گولن در ترکیه به بیش از چهار میلیون تن می‌رسد (Alekerov, 2012).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این شبکه تمرکز خود را بر توسعه مذهبی خود در عرصه بین‌المللی نهاد و تلاش‌های خود در جمهوری‌های تازه استقلال یافته کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۵ و جمعیت‌های مسلمان ساکن فدراسیون روسیه متمرکز کردند (Yunus, 2012). جنبش حزمت نیز مانند سایر جنبش‌های اسلام‌گرای احیای مذهبی در فضای سکولار کشورهای پسا شوروی با مقاومت سهمگینی مواجه شد. به همین خاطر که این جنبش تمایل پیدا کرد تا توسعه بین‌المللی خود را به صورت سری ادامه دهد، چیزی شبیه به کاری که در زمان ظهور خود در ترکیه زمان آتاتورک انجام می‌داد. امروزه برخی از پژوهشگران ادعا می‌کنند که به خاطر نظارت‌های دولتی در روسیه و کشورهای مستقل

^۱ Bediüzzaman

^۲ Hazreti Pir

^۳ Konsensus

^۴ High Command of the Armed Forces of Turkey

^۵ Commonwealth of Independent States (CIS)

مشترک‌المنافع، شبکه گولن دست به تشکیل سلول‌های نیمه‌سری فراملی زده است که اندازه آنها بسیار بزرگتر از تخمین‌های فعلی است.

خصلت محرمانه و رازآلودی که این جنبش را دربرگرفته است، شک و ظن قابل توجهی را نسبت به فعالیت‌ها و اهداف غایی آن به وجود می‌آورد. به عقیده برخی از کارشناسان شبکه زیرزمینی و مخفیانه این جنبش در نقش یک سرویس جاسوسی عمل می‌کند که به جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اعتقادی و دیگر پویایی‌های منطقه‌ای در حوزه ترک زبان و کشورهای این جنبش در پی گسترش نفوذ خود در آنها می‌باشد به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد (Davidov, 2007). این جنبش با گسترش خدمات و آموزش‌های خود در این منطقه عملاً توانسته است طی چندین نسلی که توسط مراکز آموزشی خود تربیت کرده است، بسیاری از افراد با نفوذ را در دایره ارتباطی خود داشته باشد (Sik, 2007: 241). بسیاری از رژیم‌های آسیای مرکزی که نسبت به حضور حزم‌ت در کشورهای خود محتاط هستند و رفتاری‌های آن را زیر نظر دارند (Balci, 2008: 29). در این میان برعکس بسیاری از کشورهای منطقه، جمهوری آذربایجان همواره نسبت به این جنبش با آغوش باز به استقبال آن رفته است و این شبکه توانسته است در این کشور جدا شده از شوروی سابق بزرگترین موفقیت و نفوذ خود را بعد از ترکیه و تا به امروز کسب کند.

عملکرد جنبش در جمهوری آذربایجان

اندکی بعد از سقوط شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، جنبش گولن در این کشور شروع به فعالیت کرد. جمهوری آذربایجان، بعد از ترکیه، نخستین کشوری بود که جنبش گولن مدارس خود را در آنجا و در سال ۱۹۹۲ افتتاح کرد (Nigar, 2011: 8). نخستین گام‌های این شبکه در جمهوری آذربایجان با دیدار رسمی مدیر عمومی روزنامه زمان یعنی ایلهان ایزبیلن^۱ به این کشور بود که به دنبال برقراری تماس‌هایی با باکو به منظور راه‌اندازی فعالیت‌های آموزشی جنبش بود. مدتی بعد از این دیدار بود که پخش این روزنامه در جمهوری آذربایجان آغاز گردید و جنبش نیز نخستین مدارس خود را باز کرده و تلویزیون سامانیولو و سایر شرکت‌های مربوطه نیز فعالیت‌های خود را آغاز کردند. در همین دوران

^۱. Ilhan Izbilen

نماینده منطقه‌ای این جنبش، علی بایرام^۱ با رئیس جمهور منطقه خودمختار نخجوان حیدر علی اف - که بعداً به ریاست جمهوری آذربایجان رسید- دیدار کرد. برجستگی و اهمیت بایرام در این بود که از منطقه نخجوان که به خاطر موانع و تحریم‌های ارمنستان رنج زیادی را متحمل شده بود، پشتیبانی و حمایت می‌کرد و به همین خاطر بود که توانست اعتماد و علاقه حیدر علی اف و دیگران را به خود جلب نماید (Aliyev, 2012:8).

توسعه سریع این جنبش در جمهوری آذربایجان و حمایت‌های به عمل آمده از آن‌ها در این کشور باعث عصبانیت و دل‌نگرانی مقامات سکولار در ترکیه شد. تا جایی که طی سال‌های ۹۸-۹۹ میلادی مقامات رده بالای ترکیه طی سفر علی اف به ترکیه آشکارا اعتراض و ناخشنودی خود را اعلام کردند و این شبکه را به داشتن دستورکار اسلامی متهم نمودند. اما علی اف هم با قدرت پاسخ اعتراضات را داده و اعلام کرد که هیچ‌گونه تهدیدی وجود ندارد (Yunus, 2012).

از زمان ورود این گروه به جمهوری آذربایجان، تلاش شده است که فرزندان نخبگان این کشور را جذب مراکز آموزشی این جنبش نمایند و همچنین تلاش کرده‌اند که جوانانی را که در آینده احتمال دارد تبدیل به تکنوکرات‌ها، تاجران و نخبگان سیاسی گردند را نیز به خود جلب نمایند و گفته‌ها و شنیده‌ها حاکی از این مسئله است که در این کار موفقیت بسیاری هم کسب کرده‌اند. پیام جنبش گولن که ترکیبی از اسلام متعادل و ایده برادری ترک‌ها است برای بسیاری از آذری‌ها جذابیت دارد و محبوبیت این گروه مخصوصاً در بین نسل جوان که این گروه را به عنوان بدیلی برای رژیم سکولار باکو، اسلام سلفی وهابی عربستان سعودی و اسلام شیعه ایرانی در نظر می‌گیرند بیشتر است (Goksel, 2011). بنا به ادعای برخی از شواهد موجود، امروزه تعدادی از نمایندگان احزاب مختلف در پارلمان جمهوری آذربایجان، مقامات رده بالای دفتر ریاست جمهوری و دیگر ارگان‌های حکومتی به این شبکه وابسته بوده و یا از آن حمایت می‌کنند.

علاوه بر دیگر مقامات دولتی، این جنبش به‌رغم مشکلاتی پیش رویش، شبکه‌ای را برای دانش‌آموختگان نهادهای آموزشی خود و همچنین تجاری که روابط دوستانه‌ای با جنبش دارند، ایجاد کند. مضاف بر اینکه در مدارس گولن در کشور جمهوری آذربایجان، برعکس کشورهای مشترک‌المنافع، هیچ مشکل و محدودیت قانونی نداشته و حمایت دولت

^۱. Ali Bayram

جمهوری آذربایجان را نیز با خود به همراه دارند. برخی معقد هستند که پذیرش رسمی این شبکه در جمهوری آذربایجان خود نشان دهنده ادغام این شبکه در نظم سکولار و اقتصاد این کشور می‌باشد و به طور کلی کمک‌های آشکار این شبکه به جامعه آذری هم خالی از تأثیر نبوده است (Koc,2011:12).

اما با این حال، هنوز هم پذیرش رسمی این شبکه در جمهوری آذربایجان نتوانسته است شک و تردیدهای موجود درباره این شبکه را که بیم آن دارند که در لوای فعالیت‌های عمومی و آموزشی خود دستور کار سیاسی پنهانی را دنبال کند، تسکین بخشد. در واقع به قدرت رسیدن یک حکومت با گرایش‌های اسلامی در ترکیه آتش این بیم و تردید را در جمهوری آذربایجان شعله‌ورتر نموده است. بسیاری بر این باور هستند که موفقیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه که قطعا از حمایت و پشتیبانی نرجولار و جنبش گولن بهره‌مند بوده است می‌تواند انگیزه‌ای برای طرفداران این جنبش در جمهوری آذربایجان باشد.

ساختار و منابع مالی جنبش گولن

پول، مشروعیت قانونی و نیروی کار را می‌توان به عنوان منابع زیربنایی برای یک جنبش اجتماعی موفق به حساب آورد. مقدار کافی و ثابت جریان پول این امکان را فراهم می‌آورد که نیازهای مالی اعضا به سرعت تامین گردند و دغدغه معاش برای آن‌ها بوجود نیاید. شبکه گولن بعد از به دست آوردن حمایت حیدر علی اف، از فرصت‌های واقعی برای توسعه و گسترش فعالیت‌های خود برخوردار گردید و تا سال ۱۹۹۳ توانست شروع به ساخت شبکه‌ای از نهادهای آموزشی و تجاری را آغاز نماید. تأسیس نهادهایی تجاری و بازرگانی زد که عایدات آن‌ها مستقیماً صرف تبلیغات برای دیدگاه‌های نرجو می‌شد شامل وسایل منزل، ساعت و تولیدکنندگان شیرینی‌جات نظیر استقبال^۱، رومانسون^۲ و اولکر را شامل می‌شد^۳ (Yavuz,2004:40). حلقه‌های تجاری این شبکه امروزه شامل شرکت آموزشی کاگ‌اوپرتیم^۴ و شبکه‌های نوشت افزار و کتاب فروشی نیل^۵ و انجمن انجمن تجار و صنعت

^۱ .Istigbal

^۲ .Romanson

^۳ .Ulker

^۴ .CAG ÖYRETİM A

^۵ .NIL

گران توسیاب^۱، انتشارات روزنامه زمان، ایستگاه رادیویی اف ام بورچ^۲، شبکه سامانیولو، و تلویزیون خزر^۳ و همچنین پشتیبانی از بنیاد جوانان^۴ می‌شود.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که خروجی‌های رسانه‌ای این جنبش به صورت آشکار مذهبی نیستند. از این رو، درک تفاوت بین این شبکه‌ها و سایر شبکه‌های غیرسکولار برای کارشناسان بسیار سخت است. اما پشتیبانی و حمایت‌های انجام شده از بنیاد جوانان رنگ و بوی مذهبی بیشتری دارند، بدین صورت که در کنار فعالیت‌های خیریه و درس‌های زبان انگلیسی و ارائه کلاس‌های کامپیوتر برای کودکان، کلاس‌های عربی و حفظ قرآن نیز برگزار می‌گردد و همچنین کتابخانه‌ای مملو از کتاب‌های مذهبی اسلامی تدارک دیده شده است که شامل کتاب‌های سعید نوری و فتح الله گولن نیز است.

در حال حاضر چهارده موسسه آموزشی تأسیس شده توسط شبکه گولن که شامل دانشگاه قفقاز^۵، یک مدرسه خصوصی با نام دبیرستان ویژه ترکی باکو^۶ و دوازده دبیرستان در باکو به مدیریت دبیرستان دده قورقود^۷، شیروان^۸ و شکی^۹، سومگئیت^{۱۰}، آقداش^{۱۱}، مینگچویر^{۱۲}، گوبا^{۱۳}، لنکران^{۱۴}، نخجوان^{۱۵}، اوردوباد^{۱۶}، شرور^{۱۷} و گنجه^{۱۸} می‌شود (Ibid). لازم به ذکر است که رئیس جنبش در هر کشور ریاست نهادهای آموزشی را نیز به عهده دارد. به عنوان مثال

¹ .TÜSIAB

² .Buc FM Radio station

³ . Xazar TV

⁴ . Youth Foundation

⁵ .Qafqaz University, Baku, www.qafqaz.edu.az

⁶ .Bakı Özəl Türk Liseyi, www.baki.cag.edu.az

⁷ .Bakı Dədə Qorqud Özəl Türk Liseyi, www.dedeqorqud.cag.edu.az

⁸ .Şirvan Özəl Türk Liseyi, www.shirvan.cag.edu.az

⁹ .Şəki Azərbaycan - Türkiyə Özəl Liseyi www.sheki.cag.edu.az

¹⁰ .Sumqayıt Özəl Türk Liseyi, www.sumqayit.cag.edu.az

¹¹ .Ağdaş Özəl Türk Liseyi, www.agdas.cag.edu.az

¹² .Mingəçevir Özəl Türk Liseyi, www.mingecevir.cag.edu.az

¹³ .Quba Özəl Türk Liseyi www.quba.cag.edu.az

¹⁴ .Lənkəran Özəl Türk Liseyi , www.lenkeran.cag.edu.az

¹⁵ .Naxçıvan Özəl Türk Kolleci

¹⁶ .Ordubad

¹⁷ .Sharur

¹⁸ .Gəncə Azərbaycan-Türkiyə Özəl Liseyi www.gence.cag.edu.az

در جمهوری آذربایجان رئیس جنبش دکتر انور اوزرن^۱ است که ریاست کاگ اویرتیم (Cağ) (2012, Öğretim İşletmeleri) را نیز به عهده دارد.

کاگ اویرتیم، نقطه مرکزی و هماهنگ کننده شبکه گولن در جمهوری آذربایجان است. انجمن تجاری توسیاب^۲ (جامعه بین‌المللی صنعت گرایان و تاجران ترک جمهوری آذربایجان) نیز در حکم نقطه کانونی حرفه‌ها و تجارت‌هایی است که با شبکه در ارتباط هستند. اما آنچه در درجه نخست در مورد توسیاب دارای اهمیت است، این می‌باشد که این انجمن در واقع حلقه‌ای از تاجران ترکیه‌ای در جمهوری آذربایجان است و باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که همه اعضای توسیاب هم جز اعضای جنبش گولن نیستند.

در سال ۲۰۰۲ باشگاه تاجران ترکیه‌ای^۳ به عنوان یک انجمن تجاری غیرگولنی تأسیس گردید. نام این انجمن در سال ۲۰۰۴ به آتیب^۴ که به معنای اتحادیه تجار ترکیه و جمهوری آذربایجان بود تغییر یافت. یکی از دلایل اصلی تشکیل آتیب این بود که برخی از انجمن‌های تجاری بزرگ ترکیه دوست نداشتند که با این سازمان در ارتباط باشند. شاید یکی از دلایل تشکیل آتیب هم رسوایی به وجود آمده در بین تجار ترکیه‌ای غیرگولنی در جمهوری آذربایجان بود که به خاطر دیدار آقای اردوغان، نخست وزیر ترکیه از جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد. گفته می‌شد که این سفر به وسیله سازمان‌های گولن هماهنگ شده بود و هیچ مشورت قبلی هم با دیگران نکرده بودند و بنا به گزارش رسانه‌ها، درگیری این جنبش در این کار شدیداً باعث ناخرسندی تجار ترکیه‌ای شد که با شبکه هیچ ارتباطی نداشتند (Ismaylova, 2003).

همه نهادها و سازمان‌های تجاری بنیان نهاده شده جمهوری آذربایجان به شیوه‌ای مبتنی بر همکاری، حمایت متقابل و هماهنگ فعالیت می‌کنند. مثلاً برادران و خواهران بزرگتر^۵ همه اعضای شبکه و مخصوصاً آن دسته از اعضا را که در خوابگاه‌های دانشجویی تحت نظارت و اداره شبکه زندگی می‌کنند را تشویق می‌کنند تا از فروشگاه‌هایی خرید کنند که به شبکه

^۱. Anver ozveran

^۲. TUSIAB: TÜS İAB Azərbaycan Türk Sənayeci və İşadamları Beynəlxalq Cəmiyyəti (Azerbaijan Turkish Industrialists and Business People International Society)

^۳. Türk İş Adamları Dərnəyi: Turkish Business People Club

^۴. ATİB -Azərbaycan Türkiyə İş Adamları Birliyi: Azerbaijan Turkey Business People Union

^۵. Elder

تعلق داشته و همچنین غذای خود را نیز در رستوران تحت مالکیت شبکه میل نمایند. همچنین آنها تشویق می‌شوند که فقط شبکه‌های سامانیولو و خزر تی وی را نگاه کرده و به رادیو خزر و رادیو بورچ گوش داده و انتشارات زمان را بخوانند (Turkan and Telmanqi, 2009).

نقش رسانه‌ها در شناسایی جنبش گولن

تصویرسازی و انتقال پیام و اهداف جنبش برای بقای هر جنبشی لازم است؛ آگهی‌های تبلیغاتی، بیانیه‌ها، تابلوهای تبلیغاتی، وبسایت‌ها و سایر حوزه‌های رسانه‌ای برای بسیج شرکت‌کنندگان احتمالی ایجاد شود؛ و طرح‌های خدماتی مالی و برنامه‌ها و رخدادهایی که توسط حامیان مالی جنبش برگزار می‌شود، ادامه یابد. یکی از روشن‌ترین شاخص‌هایی که موفقیت شبکه گولن را نشان می‌دهد، مالکیت شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی است که دستاوردی عظیم در جمهوری آذربایجان معاصر به حساب می‌آید چرا که تاکنون هیچ گروهی به غیر از نخبگان حاکم، نتوانسته است نفوذی را که جنبش گولن در شبکه‌های رسانه‌ای جمهوری آذربایجان به دست آورده‌اند از آن خود نمایند. این حقیقت که این شبکه هم خارجی بوده و هم دارای سبقه مذهبی است، باعث می‌شود که فعالیت‌های رسانه‌ای آن در فضای سکولار و به شدت متمرکز جمهوری آذربایجان برجسته‌تر به نظر آید.

بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ چندین موج رسانه‌ای ضد نوجو به وجود آمد و گزارش‌ها و برنامه‌هایی در این ارتباط از رسانه‌های جمهوری آذربایجان پخش شد که به همراه این گزارش‌ها چندین تن از اتباع رده بالای ترکیه‌ای نیز در جمهوری آذربایجان به جرم انتشار تبلیغات اسلامی و افراط‌گرایی بازداشت شدند. شیخ‌الاسلام جمهوری آذربایجان حاجی الله شوکور پاشازاده^۱ به خاطر اظهارات انتقاد آمیزش درباره ایدئولوژی نوجو و فعالیت‌های‌شان در جمهوری آذربایجان مشهور است. رسانه‌های سکولار جمهوری آذربایجان از شبکه نوجو به خاطر اغفال جوانان به شدت انتقاد کرده‌اند (Pashazade, 2012) هر از چند گاهی، این رسانه‌ها اعترافاتی از اعضای سابق این شبکه پخش می‌کند که زندگی در حصارهای درونی این جنبش را توصیف می‌کند. این برنامه‌ها نشان می‌دهند که چگونه این

^۱. Haji Allah shukur Pashazade

نیروهای جوان جذب شده، مورد آموزش قرار گرفته و دستکاری روانی می‌شوند و سپس تحت کنترل شدید خواهران و برادران قرار می‌گیرند.

تعهد اجتماعی در جنبش گولن

تعهد متضمن تعیین قضا و قدر شخصی یک فرد در ارتباط با موفقیت یا شکست یک جمع است. این تعهد به طور نمونه بر حسب آمیزه‌ای از ویژگی‌های فردی و سازمانی سنجیده می‌شود که تمایل برای اعمال سطح بالایی از تلاش را برای عضو ماندن در یک سازمان، پذیرش اهداف و ارزش‌های عمده آن و ارج نهادن به سازمان به عنوان یک امر ارزنده افزایش می‌دهد. افراد منتسب به جماعت گولن شبکه‌ای از افرادی در نظر گرفته می‌شوند که قادر هستند انواع مختلف منابع، اعم از نیروی کار انسانی و منابع قابل توجه مالی را جذب کنند تا تغییرات مؤثری در جامعه ایجاد کنند. این جنبش با استفاده از ارتباطات تجاری و کاری خود توانسته است، منابع مالی عظیمی را جمع‌آوری نماید که با استفاده از این منابع از فعالیت‌های اجتماعی و توسعه عمومی خود در ترکیه و اقصی نقاط جهان پشتیبانی به عمل می‌آورد (Sik, 2012:7). در بررسی به عمل آمده از منابع رسانه‌ای ترکیه جنبش حزمت در اواسط دهه ۸۰ میلادی افزایش بسیار تندی در نمودار سرمایه‌های عملیاتی خود داشته است و امروزه هم ارزش کلی این جنبش چیزی بیش از ۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌گردد که این میزان در حدود ۳۰ درصد اقتصاد ترکیه را تشکیل می‌دهد (Davidov, 2007). این شبکه در سطح جهانی نیز دارای شعبه‌هایی در ۱۱۵ کشور می‌باشد که شامل بیش از ۵۰۰ بنگاه تجاری، ۶ دانشگاه، بیش از ۷۰۰ مدرسه، ۱۴ نشریه و روزنامه زمان، شبکه تلویزیونی جهانی سمانیولو و دو کانال رادیویی است (Ibid).

اعضای این شبکه معمولاً به سه رده یا گروه تقسیم می‌شود. در گروه اول، افرادی قرار دارند که ارتباط بیشتر و نزدیکی را با گولن داشته و در زمره با وفاترین و صدیق‌ترین پیروان او قرار دارند. در رده یا گروه دوم، کسانی قرار دارند که به صورت مستقیم برای شبکه کار می‌کنند و به شبکه در رسیدن به اهداف عالی‌اش یاری می‌رسانند. گروه سوم، نیز متشکل است از کسانی که به جنبش اظهار علاقه می‌کنند که شامل خبرنگاران، تاجران، مقامات عمومی، دانش‌آموختگان مدارس حزمت و دوستان می‌شود. با اینکه گروه سوم معمولاً به

صورت رسمی بخشی از شبکه به حساب نمی‌آید، اما با استفاده از بسیج کردن نیروی کسانانی که در رده سوم قرار دارند، شبکه راحت‌تر می‌تواند به اهداف خود برسد.

بر اساس گزارش‌های موجود، این جنبش تلاش کرده است که افراد کم سن و سال را که در مدارس شبکه به تحصیل مشغول هستند به درون خانه‌های مخصوص خود وارد کند که این خانه‌ها مجتمع‌هایی بزرگ هستند که ظرفیت جا دادن بیش از ۱۵ دانش‌آموز و سه یا چهار خواهر و یا برادر را دارند. در این خانه‌ها برادران و خواهران بزرگتر به آموزش اصول اساسی اسلام و دیدگاه‌های سعید نوری و فتح‌الله گولن می‌پردازند. دانش‌آموزان برتر به درجه "آقا بی" ارتقا پیدا می‌کنند که به معنای برادران بزرگتر یا ارشد است و از این مرحله به بعد است که خود آن‌ها می‌توانند جوانان دیگر را به گروه وارد کنند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، دانش‌آموزان در عوض وفاداری و تبعیت از جنبش، پاداش دریافت کرده و شبکه همه مشکلات مالی و شغلی آن‌ها را حل می‌کند. شبکه، هزینه تحصیل این جوانان را می‌پردازد به آن‌ها هزینه مسکن می‌دهد و به آن‌ها در پیدا کردن شغلی در شرکت‌های مرتبط با گولن و یا شرکت‌های غیر مرتبط با گولن که اعضای شبکه در آنها حضور دارند یاری می‌رساند.

جنبش گولن، مانند برخی دیگر از جنبش‌های نوجو ساختاری سلسله‌مراتبی با ساختار منسجم دارد. بنابراین می‌توان گفت که یک سلول در سطح شهر معمولاً دارای سطوح زیر است: سطح شاگردلار (دانش‌آموزان)، اوی ایمام (گروهی که شامل پنج دانش‌آموز و رهبرشان است)، سمت ایمام (اجتماعی متشکل از پنج نفر که بستگی به ناحیه شهری و نهاد آموزشی و رهبران دارد)، و بولگه ایمام (رئیس منطقه) (Davidov, 2012).

دانش‌آموزان در سطوح محلی به خدمت گرفته شده و توسط برادران و خواهران نوجو کنترل می‌شوند. بنا به گفته‌های یکی از اعضای سابق این شبکه، درون این شبکه امنیتی وجود دارد که وظیفه آن ریشه‌کنسازی جاسوسان و کارگزاران سرویس اطلاعاتی ملی و مأموران اجرای قانون و اخراج آن‌ها از شبکه است.

این شبکه دارای پایگاه داده‌ای شامل اطلاعات همه اعضای خود است. در آموزش هر نوآموز جدید بر این نکته تأکید می‌شود که بایستی درباره وابستگی خود به شبکه گولن بسیار محتاط بوده و این اطلاعات را فاش نکنند. علاوه بر این دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که به رهبری شبکه احترام گذاشته و از آن پیروی کنند (Turan, 2009: 52). از دهه ۷۰

میلادی، گولن و طرفداران وی به آهستگی شبکه‌ای از نهادهای آموزشی، سازمان‌های غیردولتی و تجاری را ایجاد نمودند. این کار در ترکیه آغاز شد و پس از مدتی به آسیای مرکزی و سپس به تمام قاره‌های جهان گسترش یافت.

در این زمینه باید این نکته را در نظر داشت که فعالان نوجویی که در جمهوری آذربایجان دستگیر شده‌اند، ترکیه‌ای و یا جوانان آذری بوده‌اند که به خاطر انتشار و پخش آثار سعید نورسی دستگیر شده‌اند، اما تاکنون هیچ کدام از افراد بر داشتن رابطه با گولن اعتراف صریح نکرده‌اند؛ در حالی که خود را عضوی از اعضای نوجو می‌دانستند. مضاف بر این که همه گزارش‌های منتشره در رسانه‌های جمهوری آذربایجان که در ارتباط با توطئه‌های ترکیه‌ای-اسلامی است به طور عمده به جنبش نوجو مربوط است و به ندرت به شبکه گولن ارتباط داده می‌شوند. در واقع، فعالان غیرگولنی نوجویی در جمهوری آذربایجان وجود دارند که به خوبی در بافت سکولار جامعه آذری ادغام نشده‌اند و به طور عمده درگیر کارهای تبلیغی هستند که عمده این فعالیت‌ها در نواحی روستایی جمهوری آذربایجان صورت می‌گیرد. مثلاً رهبر نوجویی، مصطفی سونگور، که حامیان بسیاری دارد که درس‌های سعید نورسی و آثار او را در محیط‌های غیررسمی و در اقامتگاه‌های خصوصی دریافت می‌کنند. برخی از دانشجویان و پیروان برجسته این شبکه خاص برای ادامه تحصیلات مذهبی خود به ترکیه فرستاده می‌شوند (Ibid).

آینده وضعیت جنبش در آذربایجان

جمهوری آذربایجان هم مانند سایر جمهوری‌های شوروی سابق هنوز راه درازی برای غلبه بر میراث به جای مانده از شوروی (سکولاریسم نظامی) است که فرهنگ رسمی این کشور را شکل می‌دهد و احساسات عمومی ضد اسلامی را ایجاد می‌کند در پیش دارد. به همین خاطر است که احیای اسلامی در این کشور بحث‌هایی را حول محور مسائلی نظیر دین و زندگی عمومی ایجاد کرده است. با توجه به نظرات کاملاً مخالف تندروهای مذهبی و غیر مذهبی، اسلام به عنوان مضمون مرکزی گفتمان عمومی درباره اینکه جامعه جمهوری آذربایجان باید چه تغییرات اجتماعی را به خود ببیند را مطرح کرده است.

بر خلاف بسیاری از جنبش‌های احیای اسلامی که با جامعه سکولار جمهوری آذربایجان درگیر شده‌اند و برخوردهایی داشته‌اند، جنبش گولن همواره خود را به عنوان

جنبشی اجتماعی مطرح کرده است که به دنبال ادغام در نظم و ساختار سکولار جامعه است نه اینکه در پی سرنگونی این ساختار باشد. در واقع این جنبش از هر گونه مواجهه سیاسی خودداری کرده و از سویی با عزلت‌نشینی و دوری از جامعه نیز مخالف است. برخلاف این رویکرد متعادل شبکه، هنوز هم بسیاری در جمهوری آذربایجان نسبت به این جنبش با شک و تردید برخورد می‌کنند. آنها بر این اعتقاد هستند که ادعای جنبش مبنی بر تلاش برای ادغام [در جامعه سکولار] فریبی بیش نیست و این شبکه به دنبال این است که با استفاده از سرمایه‌های مالی، سیاسی و اجتماعی قدرت و نفوذ هر چه بیشتری به دست آورد تا بتواند سپس به اسلامی‌کردن سیستم قانون‌گذاری و جامعه مدنی بپردازد (Mamedov, 2012). که با رسیدن به این نقطه از نفوذ است که رهبران گولن محتمل است که دست به تغییر ساختار خود رژیم هم بزنند.

همچنین می‌توان گفت که ماهیت ناآشکار این شبکه در جمهوری آذربایجان، روش تبلیغی و استفاده از مدارس سکولار برای ترویج آموزه‌های مدنظر شبکه و دوری کردن از فعالیت‌های آشکار سیاسی و مذهبی شبیه به آغازین روزهای فعالیت این شبکه در ترکیه زمان آتاتورک بود که در آن زمان این شبکه دائماً تحت نظر عموم و تدابیر شدید امنیتی از سوی حکومت به فعالیت می‌پرداخت. حال که حزبی با تمایلات اسلامی در ترکیه به قدرت رسیده است، این شبکه نیز حضور فعالانه‌تری در عرصه سیاسی ترکیه دارد. این شبکه به دنبال مشارکت در اجتماع به امید کنترل کردن دولت برای شکل دادن به سیاست‌ها است. مضاف بر اینکه این جنبش به دنبال این است که به صورت موقتی خود را با شرایط و نظم فعلی "وقف" دهد و به دنبال ادغام در جامعه برای درازمدت نیست.

به‌رغم همه این دغدغه‌ها و نگرانی، تاکنون هیچ مدرک محکمی مبنی بر وجود یک دستورکار سیاسی پنهان در این شبکه در دست نیست. در واقع، رهبران این جنبش با نخبگان سیاسی کشور تعامل داشته و آشکارا از حکومت علی‌اف حمایت کرده و با آن همکاری می‌کنند. به همین دلیل است که در حال حاضر دولت دلیلی برای تشکیک در تمایلات و گرایشات سکولاریستی این جنبش و یا وفاداری‌های سیاسی‌اش ندارد چرا که واقعا در ظاهر نمی‌توان دلیلی برای اسلامی بودن جنبش به دست آورد به عنوان مثال حتی در دانشگاه قفقاز، نمازخانه وجود ندارد.

بنا به شماری از دلایل، بسیار بعید به نظر می‌رسد که مقامات جمهوری آذربایجان به این جنبش حمله کرده و مانع از فعالیت‌های آن شوند. دلیل نخست می‌توان این باشد که به خاطر نفوذی که این جنبش در دستگاه‌های بروکراتیک ترکیه دارد^۱، هر گونه ناملایمتی با این شبکه می‌تواند آثار زیان‌باری بر روابط بین دو کشور داشته باشد. دلیل دوم این است که این شبکه بیش از پیش در خارج از ترکیه قدرتمند و با نفوذ شده است که بر جمعیت ترک‌هایی که در اروپا، امریکا و سایر کشورها زندگی می‌کنند تأثیر گذار است. دلیل سوم، می‌تواند به خاطر اکثریت جمعیت شیعه در جمهوری آذربایجان باشد که در این وضعیت جنبش گولن می‌تواند به عنوان یک کنترل طبیعی در برابر شیعیان و نفوذ ایران مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین به عقیده برخی از محققین، حکومت جمهوری آذربایجان گسترش نفوذ اسلامی ترکیه را به رقابت‌های داخلی و پویایی‌های رقیبی به نام ایران ترجیح می‌دهد (Balci & Goyushov, 2012: 78). این جنبش همچنین سنگری است که در برابر رادیکالیسم سنی به شکل وهابیت نیز ایستاده است. دلیل چهارم این است که این جنبش، شبکه‌ای بسیار موفق از نهادهای آموزشی را اداره می‌کند که بسیاری از فرزندان نخبگان سیاسی جمهوری آذربایجان در این نهادها به تحصیل مشغول هستند. و در نهایت، اینکه تجارت و حساب و کتاب‌هایی بسیاری بین مقامات جمهوری آذربایجانی، الیگارش‌ها و سازمان‌های مرتبط با گولن در جریان است که بقای این جنبش را در این کشور تضمین می‌کند (Mamedov, 2012).

همچنین به‌رغم بی‌میلی مقامات جمهوری آذربایجان در انتقاد از این جنبش، شماری از گروه‌های مستقل مخالف چه سکولار و چه مذهبی آشکارا این جنبش را مورد انتقاد قرار داده‌اند. مثلاً برخی از لیبرال‌ها از نزدیکی این جنبش به دولت جمهوری آذربایجان و داشتن تمایلات ضد دموکراسی شکایت کرده‌اند (Ibid). بنا به استدلال‌های الدار ممدف؛ بسیاری از لیبرال‌های جمهوری آذربایجانی نگران آنچه ریا و فرصت‌طلبی جنبش گولن می‌نامند، هستند؛ در سال ۲۰۱۱ در حالی که دولت جمهوری آذربایجان به شدت با آزادی بیان و اجتماعات برخورد کرده بود، روزنامه پیشرو این جنبش یعنی، زمان یک سری مقالات را منتشر ساخته و در آنها از رهبری آینده‌نگرانه حکومت تقدیر کرده و آن را مورد ستایش قرار داد که این مسئله از دیدگاه فعالان

^۱ . با وجود تسویه اعضای این گروه از نهادهای حاکمیتی ترکیه و بویژه حزب عدالت و توسعه، هنوز اعتقادی به تصفیه کامل اعضای جنبش گولن در حزب حاکم ترکیه وجود ندارد.

جامعه مدنی با ادعاهای این جنبش مبنی برای حمایت از دموکراسی در ترکیه و جاهای دیگر هم خوانی ندارد.

رابطه میان جنبش گولن و سایر گروه‌های عمده‌ی مذهبی در جمهوری آذربایجان هم معمولاً پرتنش است. فعالان شیعه بر این اعتقاد هستند که این جنبش بیش از حد منفعل و سکولار است. مثلاً این جنبش در هنگام تظاهراتی که به رهبری شیعیان در مخالفت با منع حجاب در مدارس انجام گرفت سکوت اختیار کرد و همچنین هنگامی که دولت چندین مسجد را تعطیل کرده و سعی در ممنوع کردن اذان طی روز کرد نیز لب به سکوت گزید. به همین خاطر است که بسیاری از رهبران شیعه این جنبش را ریاکار دانسته و آن را فاقد تقوای لازم می‌دانند و این جنبش را متهم به تقیه صرفاً برای دستیابی به قدرت سیاسی در جمهوری آذربایجان می‌کنند؛ اغلب چنین ادعا می‌شود که انگیزه اولیه جنبش پیشبرد منافع فرقه‌ای جنبش بوده و همچنین پیشبرد منافع ملی ترکیه در بین اکثریت شیعیان جمهوری آذربایجان در کنار وجود رقیب قدرتمندی به نام ایران که منافع و نفوذ استراتژیک بسیاری در آذربایجان دارد.

اسلام‌گرایان اهل سنت نیز به صورت خاص از جنبش گولن در جمهوری آذربایجان انتقاد دارند. در تارنماهای فضای مجازی آنان در فضای مجازی جنبش نوجو را متهم به ایجاد بدعت در دین و نامسلمان خطاب می‌شوند. بنا به استانداردهای وهابیون برای اسلام ناب، تمایلات صوفیانه این جنبش و همچنین تلاش‌هایی که این شبکه برای ادغام در یک جامعه سکولار انجام می‌دهد به عنوان تخطی آشکار از اسلام در نظر گرفته می‌شود. اما به‌رغم این انتقادات و جهت‌گیری‌های تند علیه این جنبش، برخی از وهابیون سلفی به خاطر توسعه اسلام سنی به وسیله نهادهای سکولار به واسطه این جنبش، فعالیت‌های این شبکه را ستوده‌اند و همچنین از به چالش کشیدن مفاهیم غالب و سنت‌های شیعه به وسیله این جنبش خشنود بوده‌اند. همچنین وهابیون سلفی و جنبش گولن در این ویژگی که هر دو در جمهوری آذربایجان تازه وارد بوده و ابهامات و کلیشه‌های زیادی درباره آنها وجود دارد، مشترک هستند (Balci and Goyushev 2012:79). اما هر دوی آنها توانسته‌اند تبدیل به اجزای اساسی اسلام سنی در جمهوری آذربایجان شوند که جایگزین اسلامی سنی سنتی جمهوری آذربایجان شده است. از سوی دیگر به موازات تلاش هر دو جنبش در به چالش کشیدن تفوق شیعیان، طبیعتاً این دو گروه تبدیل به رقبایی برای یکدیگر شده که به دنبال کسب نفوذ بیشتر در بین جمعیت اهل تسنن ساکن جمهوری آذربایجان است.

نتیجه گیری

بیشتر نظریه پردازان بسیج منابع توافق دارند که منابع زیر برای یک جنبش اجتماعی موفق ضروری است: پول، مشروعیت قانونی و نیروی کار. مقدار کافی و ثابت جریان پول این امکان را فراهم می آورد که نیازهای مالی اعضا تامین شود؛ برای جنبش دفتر کار، کامپیوتر، دستگاه کپی و وسایل دیگری که برای در دیدرس قرار دادن و آگهی کردن پیام و اهداف جنبش لازم است، فراهم شود؛ آگهی های تبلیغاتی، بیانیه ها، بیلبوردها، وبسایتها و سایر حوزه های رسانه ای برای بسیج شرکت کنندگان احتمالی ایجاد شود؛ و طرح های خدماتی مالی و برنامه ها و رخدادهایی که توسط حامیان مالی جنبش برگزار می شود، ادامه یابد (Ibid:9)

از نظریه بسیج منابع در مباحث مربوط به شبکه محافل محلی استفاده شده است تا چارچوب سازوکارهایی که از طریق آن منابع برای رشد و موفقیت جنبش انباشت می شوند، مشخص شود و تحلیل جامعی به دست آید. جماعت گولن توانسته است عناصر لازمه یک جنبش اجتماعی یعنی ساختار، رسانه و تعهد بین سازمانی را بوجود آورد و بخوبی ارتباط هماهنگی بین آنها را برقرار نماید. ایجاد مدارس و نهاد های آموزشی، بنیادها و شرکتهای اقتصادی، رسانه ها و بنگاههای تبلیغاتی، برقراری ارتباط سازمانی بین اعضا به عنوان نمودهایی مشهود در نظر گرفته می شوند.

تعهد متضمن تعیین قضا و قدر شخصی یک فرد در ارتباط با موفقیت یا شکست یک جمع است. این تعهد به طور نمونه، بر حسب آمیزه های از ویژگی های فردی و سازمانی سنجیده می شود که تمایل برای اعمال سطح بالایی از تلاش را برای عضو ماندن در یک سازمان، پذیرش اهداف و ارزش های عمده آن و ارج نهادن به سازمان به عنوان یک امر ارزنده افزایش می دهد.

گولن بدون شک به عنوان موفق ترین جنبش در فضای رقابت های اسلامی جمهوری آذربایجان ظهور کرده است. هیچ کدام از جریان های دیگر اسلامی در جمهوری آذربایجان دارای چنین سازمان گسترده و یا سطح نفوذ بالا در تجارت، امور خیریه، لابی ها و از همه مهم تر در زمینه آموزش نیستند. مضاف بر همه موارد ذکر شده، این جنبش توانسته است به همه دستاوردهای بالا بدون آشکار کردن ماموریت ایدئولوژیک خود دست یابد. این مسئله به رغم اینکه سو ظن زیادی را نسبت به این جنبش ایجاد کرده است و به رغم شهرتی که به عنوان یک جنبش مدرن و معتدل دارد که به دنبال ادغام در جامعه می باشد، اما باز هم به دیده جنبشی به آن نگریسته می شود که دارای دستور کارهای مذهبی - سیاسی است.

مضاف بر موارد بالا و به‌رغم گذشته شوروی، جمهوری آذربایجان، اسلام و به ویژه تشیع به عنوان جزئی از منبع هویت بخش ملی و تاریخی جمهوری آذربایجان باقی مانده‌اند. این مسئله به ویژه در قسمت‌های جنوبی کشور و هم‌چنین در نواحی روستایی بخش‌هایی از شبه جزیره آبشرون^۱ بیشتر به چشم می‌آید. فعالیت جنبش گولن در بخش‌های محافظه‌کار شیعه جمهوری آذربایجان با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو است. نهاد هیات روحانی مسلمانان قفقاز و شیخ الاسلام که کاملاً نقشی استقرار یافته داشته و به لحاظ سیاسی هم با نفوذ هستند، مانعی دیگر بر سر راه عملیات و فعالیت‌های هر نوع جنبش سنی مذهب و به ویژه گولن در کشور می‌باشد. به منظور تسهیل فعالیت‌های خود، این جنبش باید بتواند زمینه‌های تغییر مذهب شیعیان به تسنن و سپس به نوجوگرایی را تسهیل نمایند که شانس و امکان این کار بسیار ضعیف است. رویکرد جنبش گولن در هدف قرار دادن نخبگان شهری، باعث تحلیل رفتن موقعیت این شبکه در بین جمعیت‌های روستایی و فقیر می‌شود و بنابراین شمار حامیان بالقوه و اعضای آن در نواحی با اکثریت جمعیت سنی کاهش می‌یابد.

بنابراین جنبش گولن در جمهوری آذربایجان در فضایی مملو از فشار مداوم به فعالیت مشغول است. بازیگران مختلف با دستور کارهای متفاوت که برخی سیاسی و برخی فرقه‌ای می‌باشد فعالیت‌های این جنبش را از نزدیک تحت نظر دارند و به شدت به دنبال پس زدن نفوذ این شبکه هستند. جامعه جمهوری آذربایجان هم در کل نسبت به نفوذ اسلام عمیقاً مواظب است و به خاطر ماهیت سری و مخفیانه جنبش گولن، این جنبش مورد ظن بوده و خواهد بود. از دید عموم مردم، این سوال که آیا این جنبش واقعا در پی ادغام در جامعه جمهوری آذربایجان است و یا اینکه بر اساس یک دستور کار ترکیه‌ای-اسلامی به دنبال متحول کردن جامعه از درون می‌باشد به طور عمده به پاسخی نرسیده است. با توجه به انعطاف پذیری تاریخی این جنبش و ساختار بسیار گسترده سازمانی آن در جمهوری آذربایجان، شاید زمان آن رسیده باشد که این جنبش به دنبال هر دوی این اهداف باشد.

^۱ . آبشرون به ترکی آذری Abşeron نام شبه جزیره و بخشی در جمهوری آذربایجان است که در شبه جزیره آبشوران واقع شده‌است. این شبه جزیره ۶۰ کیلومتر به سمت شرق در دریای خزر پیشروی دارد و عرض شبه جزیره به ۳۰ کیلومتر می‌رسد.

منابع و مأخذ

- کیویستو، پیتر (۱۳۷۸)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صیوری، تهران: نشر نی.

- نراقی، احسان (۱۳۸۵)، *علوم اجتماعی و سیر تکوین آن*، تهران: نشر فرزانه روز.

- Atacan, Fulya (2001), "A Kurdish Islamist Group in Modern Turkey: Shifting Identities," *Middle Eastern Studies*, Vol. 37, No. 3, Jul.

- Arif, Unus (2013), "Islamic Palette in Azerbaijan", *Adilogl Academic Journal of Interdisciplinary Studies* Published by mcser-cemas. Sapienza University of Rome, E-ISSN 2281-4612. Vol 2, No.2, July.

- Alekperov, Jeyhun (2012), "The Turkish Gambit and The View From Over The Ocean", *The First News Azerbaijan*, Available at: <http://1news.az/authors/130/20120620030903621.html>, Accessed in: 08 April 2013.

- Əliyev, Fuad (2014), "Fətullah Gülen Azərbaycanda Necə Təmsil Olunur?" , Available at: www.azadliq.info/43747.html. Accessed in: 08 April 2014.

- Aliyev, Fuad (2012), "The Gulen Movement in Azerbaijan", Available at: <http://www.currenttrends.org/research/detail/the-gulen-movement-in-azerbaijan>, Accessed in: 01 April 2012.

- Balci, Bayram (2003), "Fethullah Gülen's Missionary Schools in Central Asia and their Role in the Spreading of Turkism and Islam", *Religion, State & Society Quarterly*, Vol. 31: No. 2.

- Balci Bayram ve Goyushov Altay (2012), "Changing Islam in Post-Soviet Azerbaijan and Its Impact on The Sunni-Shia Cleavage", in Maréchal, Brigitte & Zemni, Sami, *Contemporary Sunni-Shia relationships*, Hurst & Co Publishers Ltd.

- Henning Boekle and Rittberger Volker (1999), "Norms and Foreign Policy: Constructivist Foreign Policy Theory", Available at: <https://publikationen.unituebingen.de/xmlui/bitstream/handle/10900/47193/pdf/ap34a.pdf>. Accessed in: 10 Dec 2012.

- Checkel, Jeffrey T (1999), "Norms, Institutions and National Identity in Contemporary Europea", *International Studies Quarterly*, vol.43, No.1, November.

- Davidov, M.N (2012), "The Activities of Turkish Religious Sect Nurcular,

Деятельность турецкой Ре- лигиозной Секты «Нурджулар» (Russian, blog)The

Institute of the Near East Available at: <http://www.iimes.ru/rus/stat/2007/03-11-07b.htm>. Accessed in: 21 July 2012.

- Goksel, Nigar (2011), "Changing Soft Power Elements in Turkey's Relations with Azerbaijan", *Religiously-Inspired Bonding*. Vol. 4, N. 8.

- Gülen, M.F (1996), *Criteria or Lights of the Way*. London. Truestar. Available at: <http://fethullahgulenconference.org/houston/read.php?p=fethullah-gulen-vision-transcendent-education>, Accessed in: 29 November 2010.

- Ismaylova, Khadija (2011), "Nurchular Era in Turkey-Azerbaijan Relations" *Newspaper Ekho*, 18 January 2003 (in Russian). <http://www.echoru.com/>.

- Koc, Dogan (2011), "Strategic Defamation of Fethullah Gulen: English vs. Turkish", *European Journal of Economic and Political Studies* (Ejeps)-4 , (189-244) Available at: <http://ejeps.fatih.edu.tr/docs/articles/122.pdf>, Accessed in: 29 November 2013.

- Keskin, Tugrul (2009), "A Comparative Analysis of Islamist Movements in the Neoliberalization Process: Jama'at-e- Islami in Pakistan and the Fethullah Gulen Movement in Turkey – Reactions to Capitalism, Modernity and Secularism" Submitted to the Faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Sociology.

- Mamedov, Eldar (2012), "Azerbaijan: Evaluating Baku's Attitude toward the Gülen Movement", 16 February 2012, Available at: <http://www.eurasianet.org/node/65013>, Accessed in: 16 december 2012.

- Özdalga, E. (Spring 2003), "Secularizing Trends in Fethullah Gülen's Movement: Impasse or Opportunity for Further Renewal?", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 12(1), 61-73.

- Rice, Condoleezza(2005),"Why Promoting Freedom Is the only Realistic Path?", *WashingtonPost* , 11 December 2005 " Available at: <http://www.washingtonpost.com/wp-yn/content/article.html>, Accessed on: 25 Nov 2010.

- Rovsanoglu, Kənan (2013), "Nurçuluq və Fətullah Gülen Hərəkatı - Fərqliliklər", Available at: http://musavat.com/news/gundem/nurchuluq-ve-fetullah-gulen-herekati-ferqlilikler_185814.html, Accessed in: 16 April 2013.

- Rose Ebaugh, Helen(2010) , *The Gülen Movement A Sociological Analysis of a Civic Movement Rooted in Moderate Islam*, Springer Dordrecht Heidelberg London New York, ISBN 978-1-4020-9893-2.

- TuranTurkan ve Telmanqızı Sevinc (2012) "Bakı Nurçularinin Tükürpədicisi Cəlbətmə Əməliyyatları," (Azeri), *Yeni Musavat*, 2 June 2009, Available at: <http://www.musavat.com/new>, Accessed in: 14 August 2013.

- Sık, Ahmet (2012) "İmanın Ordusu," ("The Army of Imam" in Turkish) Available at: <http://xeberler.files.wordpress.com/2011/04/51984426-dokunan-yanar.pdf>, Accessed in: 19 July 2012.

- *Cağ Öğretim İşletmeleri Organization(2014)* Available at:
<http://www.cag.edu.az>.
- Pashazade, Allah Sukur(2014): “Radical Wahabbis and Nurcus Damage Islam by Their Activities” (in Azeri) Available at:
<http://az.trend.az/news/society/1077128.html>, Accessed in 25 July 2013.
- Uygur, Selcuk(2014) “Islamic Puritanism’ as a Source of Economic Development: Contributions of the Gülen Movement” *Hizmet Studies Review* Vol. 1, No. 1, Autumn 2014, 57-72. Available at:
<http://hizmetreview.com/contributions-of-the-gulen-movement/>
- Yavuz, Hakan (2004) “Opportunity Spaces, Identity, and Islamic Meaning in Turkeyin *Islamic Activism: A Social Movement Theory Approach,*”, ed. by Quintain Wiktorowicz (Bloomington ID: Indiana University Press, 2004).